

متن پرسش

سلام استاد عزیزم: در کتاب ادب خیال عقل فرمودید باید کتب عالمان بزرگ را مطالعه کنیم و برنامه ریزی داشته باشیم. من مادر دو فرزند و خانه دار هستم و چند سالی ست مباحث شما را دنبال می‌کنم و همیشه سعی کردم با برنامه جلو برم اما تو این برنامه های که می‌ریزم اخیراً یه کمبودی حس می‌کنم. انگار این کتاب خواندن ها و ویس گوش کردن ها و خلوت داشتن ها دیگه منو راضی نمیکنه. انگار باید حرکتی دیگه انجام بدم. در درون خود جستجو کردم و فهمیدم چقدر تشنه افرادی هستم هم دل و هم فکر و هم کلام... من حس می‌کنم خیلی نیاز به حضور در جمع هایی دارم که منو بفهمن و بتونم باشون صحبت کنم و راه پیدا کنم. نمی‌دونم باید کجا برم و چه جوری شروع کنم فقط می‌دونم روحم نیاز به اینگونه ارتباط ها پیدا کرده. چند جلسه ای به جلسات سها آمدم و لذت بردم اما هنوز راهمو پیدا نکردم. نمی‌دونم باید چیکار کنم. اون نشاطی که قبلاً داشتم هم ندارم. تنها تغذیه روحم و حال خوبم در حال حاضر کتب شما استاد عزیز و قرآن و نهج البلاغه است و گاهی نوشتنهایی که از دل بیرون می‌آید. استاد لطفا کمک کنید

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که مکرر عرض شد باید به حضوری دیگر اندیشید. چگونه ممکن است که انسان تا آن جا راه را رها کند و به بیراهه قدم زند که ستایش گر قاتل عمر خود شود، وقتی هر آنچه معنای زندگی را از او می‌زباید را دوست می‌دارد؟ مشتاق اموری می‌شود که بر سرگردانی او می‌افزاید و خواهان چیزهایی است که نیست، آری! چیزهایی که نیستند و جاودانگی را از او می‌زبایند و چون احساس جاودانگی را از دست داد چه اندازه در بودن خود احساس پوچی می‌کند. این‌جا است که همه راه‌ها برای او بن‌بست است، زیرا اصیل‌ترین راه که تماشای خود می‌باشد به عنوان بنده، حضرت ربّ العالمین را گم کرده است، راهی که هم اکنون او را تا بیکرانه ترین حضور حاضر می‌کند و معنا می‌بخشد و با حضور در آن ساحت به جای آن که از رفتن فرار کند به راحتی رنج رفتن را که همه زندگی است به جان می‌خرد. رنجی که در هر قدمی که برمی‌دارد زندگی را به او نشان می‌دهد. دوری این رفتن ها چه اندازه دردناک است هرچند با راحتی و رفاه همراه باشد. راحتی‌های پوچ و بی‌ثمر. این است راز نیست‌انگاری، راز بودن‌های سرد و بی‌ثمر به جهت فرار از رفتن که شأن حضور در حقیقت است. این‌جا است که با حضور در تاریخ توحیدی که با انقلاب اسلامی شروع شد و احساس و شور معنوی که به سراغ انسان می‌آید، از نیست‌انگاری این دوران عبور کرد. موفق باشید

